

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه هرمزگان

دانشکده علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

ریخت‌شناسی قصه‌های عامیانه‌ی ایل قشقایی بر اساس نظریه‌ی ولادیمیر پراپ

(با تمرکز بر قصه‌های دو تیره قره‌قانی و ایگدر)

استاد راهنما:

دکتر جواد دهقانیان

استاد مشاور:

دکتر اسدالله نوروزی

نگارش:

مهناز پارسانسب

خرداد ۹۲

به نام خدا



### صور تجلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد

با عنایت به آیین نامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد، جلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد مهناز پارسانسب به شماره دانشجویی ۸۹۴۱۱۰۰۱۰ رشته زبان و ادبیات فارسی گرایش محض در تاریخ ۹۲/۳/۲۰ در محل دانشگاه هرمزگان با عنوان " ریخت شناسی قصه های عامیانه ایل قشقایی بر اساس نظریه ولادیمیر پراپ " و با حضور هیات داوران برگزار گردید و بر اساس کیفیت پایان نامه، ارائه دفاعیه و نحوه پاسخ به سوالات، پایان نامه مورد قبول هیات داوران قرار گرفت و نمره پایان نامه ۱۸ (هجده) علام گردید (نمره به عدد و حروف نوشته شود)

امضاء	دانشگاه	نام و نام خانوادگی	مشخصات هیات داوران
	هرمزگان	دکتر جواد دهقانیان	استاد راهنما
	هرمزگان	دکتر اسد ا. نوروزی	استاد مشاور
	هرمزگان	دکتر مصطفی صدیقی	استاد داور داخلی
	پژوهشگاه میراث فرهنگی	دکتر مژگان اسماعیلی	استاد داور خارجی
		دکتر شهرام گلزاری	نماینده تحصیلات تکمیلی

دکتر شهرام گلزاری

مدیر تحصیلات تکمیلی

امضاء

۹۳، ۲، ۹ رسول محمدی

اینجانب.....دانشجوی ورودی سال.....مقطع کارشناسی ارشد رشته.....گرایش.....  
متعهد می شوم چنانچه بر اساس مطالب پایان نامه خود اقدام به انتشار مقاله، کتاب و ... نمایم ضمن  
مطلع کردن استاد راهنما، با نظر ایشان نسبت به نشر، کتاب و مقاله و ... به صورت مشترک و با ذکر نام  
استاد راهنما مقدم بر نام خود مبادرت کنم.

نام و نام خانوادگی دانشجو

امضاء

اینجانب.....دانشجوی ورودی سال.....مقطع کارشناسی ارشد رشته.....گرایش.....  
گواهی می کنم چنانچه در پایان نامه خود از فکر، ایده و نوشته دیگری بهره گرفته ام، با نقل قول مستقیم یا  
غیر مستقیم منبع و مأخذ را نیز در جای مناسب ذکر کرده ام. بدیهی است مسئولیت تمامی مطالبی که نقل  
قول دیگران نباشد بر عهده خویش می دانم و جوابگوی آن خواهم بود.

نام و نام خانوادگی دانشجو

امضاء

## چکیده

ایل قشقایی ادبیات و فرهنگ شفاهی پربراری دارد. در دهه‌های اخیر اکثریت مردم این ایل دست از کوچ‌نشینی برداشته و به یکجانشینی رو آورده و به همراه آن بسیاری از سنت‌ها و ادبیات شفاهی آن، رو به فراموشی است. از این رو گردآوری این بخش از زندگی این ایل و تحقیق و بررسی پیرامون آن از اهمیت زیادی برخوردار است.

از جمله تحقیقات و بررسی‌هایی که در رابطه با ادبیات شفاهی صورت می‌گیرد، بررسی ساختار این آثار است که از جمله‌ی مهمترین آن‌ها می‌توان به پژوهشی که ولادیمیر یاکف‌لویچ پراپ، محقق فرمالیست روس تحت عنوان ریخت‌شناسی قصه‌های پریان انجام داد، اشاره کرد. پراپ با بررسی صد قصه‌ی عامیانه روسی به الگویی دست یافت که با آن می‌توان ساختار هر نوع قصه‌ای را شناسایی کرد. این الگو شامل ۳۱ کارکرد و هفت شخصیت است.

از آن‌جا که تاکنون هیچ نوع بررسی ساختاری بر روی قصه‌های قشقایی صورت نگرفته، در این پژوهش ۳۳ قصه از قصه‌های عامیانه این ایل، بر اساس الگوی پراپ بررسی شده است. گردآوری اطلاعات در بخش کلیات و بخش‌هایی از تجزیه و تحلیل کتابخانه‌ای است. اکثر قصه‌های مورد بررسی به صورت میدانی گرد آمده. این قصه‌ها پس از گردآوری، از زبان ترکی به فارسی برگردانده شده‌اند و در این پژوهش تنها صورت فارسی آن‌ها آورده شده است. پس از تجزیه و تحلیل قصه‌ها بر اساس ۳۱ کارکرد پراپ، الگوی هر قصه به همراه ترکیب حرکت‌های آن استخراج گردیده و عناصر و ویژگی‌های بارز موجود در آن‌ها مشخص شده است.

این بررسی نشان می‌دهد که قصه‌های قشقایی به میزان قابل ملاحظه‌ای از الگوی پراپ پیروی می‌کنند. کارکردهای موجود در این قصه‌ها خارج از ۳۱ کارکرد پراپ نیست. این قصه‌ها دارای ساختاری ساده و شبیه به هم هستند و اغلب یک، دو و سه حرکتی هستند. به طور کلی قصه‌های قشقایی با الگوی سایر قصه‌های ایرانی مطابقت دارند و خصوصیات چونی‌زمانی، بی‌مکانی، بی‌نام بودن قهرمان در اکثر قصه‌ها، سوم شخص بودن زاویه دید و توصیفات کلیشه‌ای و اندک که از ویژگی‌های مهم قصه‌های ایرانی به شمار می‌روند در این قصه‌ها نیز دیده می‌شود.

واژگان کلیدی: ادبیات شفاهی - قصه‌های عامیانه - فرمالیسم - ساختارگرایی - ریخت‌شناسی - پراپ - ایل - قشقایی

گر غبار جبینت را می خشکاند  
و گر گرمای بیابان چشمانت را می سوزاند  
یادآر که نور غروب، لطیف است و  
آب بهاران، سرد.  
گر مونس وانهاده ترا  
ور تنهایی را تحمل دشوار است  
یادآر که سپیده دمان چکاوک نغمه سر خواهد کرد  
و در دل تاریکی شبانگاه، هزارستان خواهد نالید  
گر سنگ‌های راه، پایت را می خلد  
یادآر که آدمی را برای رنج و بردباری آفریده‌اند  
گر کوره راه زندگی، طویل است و پر ملال  
یادآر که تنها یک بار باید از آن گذر کرد!  
(ماری ترز)

تقدیم به:

مادر عزیزم

که از خود گذشتگی هایش را

هرگز از یاد نخواهم برد.

## قدردانی و تشکر:

در این جا از زحمات تمامی اساتید بزرگووارم که در این مدت تجربیات گرانبقدر خود را بی دریغ در اختیارم گذاشتند تشکر می‌کنم؛ به خصوص از دو استاد گرامی، جناب دکتر دهقانیان به عنوان استاد راهنما و جناب دکتر نوروزی به عنوان استاد مشاور این پایان‌نامه که صبورانه تا پایان این کار یاریگر من بودند. همچنین بر خود واجب می‌دانم از آقای نجات قره‌قانی راوی اکثر قصه‌های گردآوری شده، تشکر کنم که با شور و اشتیاق فراوان آن‌چه را در سینه‌ی خود محفوظ داشتند در اختیارم گذاشتند.



## فهرست مطالب

### فصل اول: کلیات

- ۱  
۲-۱. طرح موضوع و مسأله تحقیق  
۲-۲. اهمیت و ضرورت تحقیق  
۳-۱. هدف‌های اساسی تحقیق  
۳-۴. سؤال‌های اساسی تحقیق  
۳-۵. پیشینه تحقیق  
۴-۶. روش تحقیق

### فصل دوم: قشقای، ادبیات عامیانه، قصه

- ۵-۱. عشایر  
۶-۲. ایل قشقای  
۷-۳. ارتباط زبانی، فرهنگی و هنری مردم قشقای و آذربایجان  
۱۰-۴. ویژگی‌های قصه‌های قشقای  
۱۱-۵. فولکلور (ادبیات شفاهی)  
۱۲-۱-۵-۲. قصه‌های عامیانه  
۱۳-۱-۵-۲. قصه‌های پریان  
۱۴-۲-۱-۵-۲. قصه‌ی پریان و اسطوره  
۱۴-۳-۱-۵-۲. خاستگاه قصه‌های پریان  
۱۵-۴-۱-۵-۲. ارتباط قصه‌ی پریان با نهادهای اجتماعی گذشته و مراسم آیینی  
۱۶-۵-۱-۵-۲. معیارهای تمایز نهادن میان یک صورت بنیادی از یک صورت مشتق یا ثانوی  
۱۶-۶-۲. طبقه‌بندی قصه‌ها  
۱۸-۷-۲. ویژگی‌ها و خصوصیات افسانه‌ها و قصه‌ها  
۱۸-۱-۷-۲. خصوصیات کلی قصه‌ها  
۱۹-۲-۷-۲. ویژگی‌های زبانی قصه‌ها  
۲۰-۳-۷-۲. نقش توصیف در قصه‌ها  
۲۰-۴-۷-۲. نقش سرنوشت در قصه‌ها  
۲۰-۵-۷-۲. زمان و مکان در قصه‌ها  
۲۱-۶-۷-۲. اعداد و ارقام در قصه‌ها  
۲۱-۷-۷-۲. ویژگی شخصیت‌ها  
۲۴-۸-۲. اهمیت قصه‌ها و ضرورت پرداختن به آن‌ها  
۲۵-۹-۲. تحقیقات و فرضیات در باب خاستگاه قصه‌ها  
۲۷-۱-۹-۲. فرضیه‌ی هند و اروپایی

۲۷	۲-۹-۲. فرضیه‌ی هندی
۲۷	۳-۹-۲. فرضیه مردم‌نگاری
۲۸	۴-۹-۲. فرضیه‌ی آیین‌گرایی
۲۸	۵-۹-۲. نظریه‌ی مکتب روانکاوی
۲۸	۶-۹-۲. نظریه‌ی بازسازی تاریخی
۲۹	۷-۹-۲. نظریه‌ی نقش‌گرایی
۲۹	۸-۹-۲. روش تاریخی - جغرافیایی (مکتب فنلاند)
۳۰	۹-۹-۲. نظریه مکتب ساختاری
۳۰	۱۰-۲. فرمالیسم (صورت‌گرایی)
۳۲	۱۱-۲. زبان‌شناسی سوسور و تأثیر آن بر مطالعات ساختارگرایان
۳۴	۱۲-۲. ساختارگرایی
۳۷	۱۳-۲. نظریه پردازان بعد از پراپ
۳۷	۱-۱۳-۲. کلود لوی استروس
۳۸	۲-۱۳-۲. آلن داندس
۳۸	۳-۱۳-۲. ای. جی. گریماس
۳۹	۴-۱۳-۲. کلود برمون
۴۰	۵-۱۳-۲. تزوتان تودوروف
۴۱	<b>فصل سوم: قصه‌ها</b>
۱۲۰	<b>فصل چهارم: تحلیل و ریخت‌شناسی قصه‌ها</b>
۱۲۱	۱-۴. پراپ
۱۲۱	۲-۴. روش ریخت‌شناسی پراپ
۱۲۳	۳-۴. نکاتی در رابطه با تحلیل قصه
۱۲۳	۱-۳-۴. عناصر کمکی برای پیوند متقابل خویشکاری‌ها با یکدیگر
۱۲۳	۲-۳-۴. انگیزش
۱۲۴	۳-۳-۴. اشتراک یا هم‌پوشانی نقش‌ها بین شخصیت‌ها
۱۲۵	۴-۳-۴. خویشکاری‌های مانعة‌الجمع
۱۲۵	۵-۳-۴. خویشکاری‌های جفتی
۱۲۶	۶-۳-۴. نقش عدد سه در قصه‌ها
۱۲۷	۷-۳-۴. حرکت در قصه‌ها
۱۳۰	۴-۴. تجزیه و تحلیل سی و سه قصه‌ی قشقای بر اساس سی و یک خویشکاری پراپ
۱۴۹	۱-۴-۴. نقش برون همسری در قصه‌های ایل قشقای

۱۵۱	۵-۴. چهار قانون پراپ در قصه‌های قشقای
۱۵۴	۶-۴. ویژگی‌های شخصیت‌ها در قصه‌های قشقای
۱۵۵	۴-۶-۱. نقش زن در قصه‌های قشقای
۱۵۷	۴-۶-۲. نام، سن و ویژگی‌های ظاهری شخصیت‌ها
۱۵۷	۴-۶-۷. زمان و مکان، اعداد و آغاز و پایان قصه‌های قشقای
۱۵۸	۴-۸. مشخصات سی و سه قصه‌ی بررسی شده ایل قشقای
۱۶۰	۴-۹. شخصیت‌ها و عوامل جادویی در سی و سه قصه‌ی برگزیده‌ی قشقای
۱۶۳	۴-۱۰. خلاصه‌ی چند قصه به همراه تجزیه و تحلیل
۱۷۲	۴-۱۱. الگوی کارکردی سی و یک قصه‌ی برگزیده ایل قشقای
۱۷۴	۴-۱۲. نمایش حرکت‌های ۳۳ قصه‌ی بررسی شده
۱۸۰	<b>فصل پنجم: نتیجه‌گیری</b>
۱۸۴	<b>جدول‌ها</b>
۱۸۷	<b>منابع و مأخذ</b>

فصل اول:

کلیات

## ۱-۱- طرح موضوع و مسأله تحقیق

ادبیات شفاهی بخش مهم و وسیعی از ادبیات و فرهنگ هر قومی به حساب می‌آید. در این میان قصه‌های عامیانه یکی از ساده‌ترین و در عین حال جذاب‌ترین نوع ادبیات شفاهی هستند که از دیرباز در کنار وجه سرگرمی خود همواره یکی از راه‌های تعلیم و آموزش به حساب می‌آمده (آذر، ۱۳۸۷: ۹). قصه‌ها نمایانگر آمال و آرزوهای مردمان گذشته هستند که با تحلیل و بررسی آن‌ها به نتایج قابل توجهی می‌توان دست یافت که از این نتایج می‌توان در بررسی‌های ادبی، تاریخی، اجتماعی و روان-شناختی بهره برد. همچنین «با تحقیق و مطالعه در قصه‌های ملل می‌توان به کشف روابط بین فرهنگ‌ها نائل آمد و بر آن پرتو افکند. از گستردگی و انتشار هریک از انواع قصه و بنمایه‌های آن می‌توان به مسائل مشترک بین همه‌ی اقوام و ملل و حتی سراسر بشریت پی برد. از جانب دیگر با دقت در طرق سیر و سفر قصه‌ها می‌توان به مبادی و منابع احتمالی آن‌ها دست یافت، منابعی که قسمت اعظم قصه‌های روایت شده امروزی از آن‌ها گرفته شده است» (ر.ک. مارزلف، ۱۳۷۱: ۱۵). از جمله تحقیقاتی که بر روی قصه‌ها صورت می‌گیرد بررسی ساختاری آن‌هاست که با کار ولادیمیر پراپ محقق روسی به اوج رسید. پراپ با بررسی صد قصه از قصه‌های روسی به نتایج قابل توجهی رسید که بعد از وی الگوی بسیاری از محققان دیگر شد. وی دسته‌بندی آثار فولکلوریک را بر اساس قواعد صوری آن‌ها انجام داد و از این رو کارش را ریخت‌شناسی خواند. او این اصطلاح را به معنای توصیف حکایت‌ها بر اساس واحدهای ساختاری تشکیل دهنده آن‌ها و مناسبات این واحدها با یکدیگر و با کل حکایت، به کار برد (ر.ک. احمدی، ۱۳۷۰: ۱۴۵، ۱۴۴).

در ایران، تحقیق در حوزه‌ی ادبیات عامیانه اگر چه قدمتی ۵۰ یا ۶۰ ساله دارد ولی به دلیل تنوع خرده فرهنگ‌ها هنوز تحقیقات کاملی صورت نگرفته. از جمله خرده فرهنگ‌هایی که دارای فرهنگ قومی است ایل قشقایی می‌باشد.

ایل قشقایی از ادبیات و فرهنگ شفاهی غنی و پرباری برخوردار است که قصه‌ها و افسانه‌ها بخشی از آن محسوب می‌شود. تا کنون تحقیقی درباره‌ی ریخت‌شناسی قصه‌های این قوم انجام نگرفته و این تحقیق جمع‌آوری و تحلیل بخشی از قصه‌های این قوم می‌باشد و همچنین تلاشی در جهت حفظ و نگهداری این بخش از فرهنگ و ادبیات شفاهی قوم قشقایی.

## ۱-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

از آن‌جا که امروزه دیگر قصه‌گویی و قصه‌نیوشی به روال گذشته صورت نمی‌گیرد و این سنت رو به فراموشی است، گردآوری و حفظ قصه‌ها و افسانه‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است. همچنین از آن‌جا که اکثریت مردم کوچ‌نشین قشقایی امروزه به شهرنشینی رو آورده و شاید زمان زیادی نگذرد که دیگر نشانی از سبک زندگی گذشته ایشان دیده نشود و به همراه آن بسیاری از آداب و رسوم و قصه‌ها و افسانه‌های این ایل به فراموشی سپرده شود جمع‌آوری ادبیات شفاهی آن ضروریست.

### ۱-۳- هدف های اساسی تحقیق :

۱. جمع آوری قصه‌های ایل قشقایی با تمرکز بر قصه‌های دو تیره قره‌قانی و ایگدر.
۲. تحلیل و ریخت‌شناسی قصه‌های ایل قشقایی.

### ۱-۴- سؤال‌های تحقیق :

۱. قصه‌های قشقایی تا چه حد از الگوی پراپ تبعیت می‌کنند؟
۲. ویژگی‌ها و عناصر بارز قصه‌های قشقایی چیست؟
۳. قصه‌های قشقایی تا چه حد با الگوی سایر قصه‌های ایرانی همخوانی دارند؟

### ۱-۵- پیشینه تحقیق :

از جمله کارهایی که تا کنون در مورد ادبیات شفاهی و فولکلور قشقایی صورت گرفته می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد: ضرب‌المثل‌های ایل قشقایی: داوود بالیده-فرحناز ترک قشقایی. سیاه چادرها- گرایلی-افسانه‌ها و قصه‌های ایل قشقایی: منوچهر کیانی. زبان ترکی و شیوه‌ی نگارش آن: نصرالله مردانی رحیمی. اما همان‌گونه که گفته شد تا کنون تحقیقی تحت عنوان ریخت‌شناسی قصه‌های ایل قشقایی انجام نشده. به طور کلی در زمینه‌ی ریخت‌شناسی قصه می‌توان به کتاب ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی (۱۳۸۷) اثر پگاه خدیش اشاره کرد و همچنین به پایان‌نامه‌های زیر:

۱. ریخت‌شناسی قصه‌های سمک‌عیار، چهارباشلو، عباس (۱۳۷۸)، مقطع کارشناسی‌ارشد، استاد راهنما: طالیان، یحیی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی .

این پایان‌نامه به هفت فصل تقسیم می‌شود که به بررسی انواع گفتار قهرمان داستان، کارکردها، پندارها، قهرمانان، زمان و مکان، عیاران و آیین عیاری می‌پردازد.

۲. ریخت‌شناسی طوطی‌نامه، سیار، معصومه (۱۳۸۸)، مقطع کارشناسی‌ارشد، استاد راهنما: صلاحی مقدم، سهیلا، دانشگاه الزهراء علیهاالسلام، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی و تاریخ.

این تحقیق با هدف ارزیابی کارآیی و قابلیت الگوی ریخت‌شناسانه‌ی ولادیمیرپراپ، قصه‌های طوطی-نامه را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و بیشتر ساختار روایت را در این داستان‌ها مد نظر داشته است.

۳. ریخت‌شناسی قصه‌های مثنوی براساس نظریه‌ی ولادیمیرپراپ، سیفی، عالمه (۱۳۸۹)، مقطع کارشناسی‌ارشد، استاد راهنما: روحانی، مسعود، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی .

در این تحقیق ده حکایت از حکایت‌های مثنوی مورد تجزیه و تحلیل و ریخت‌شناسی قرار گرفته است.

۴. ریخت‌شناسی قصه‌های سمک‌عیار بر اساس نظریه‌ی ولادیمیرپراپ، فیضی، جعفر (۱۳۸۵)، مقطع کارشناسی‌ارشد، استاد راهنما: خائفی، عباس، دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

از جمله هدف‌های این پایان‌نامه یکی تعیین مهارت‌ها و توانایی‌های مؤلف سمک‌عیار در پرداخت و تدوین قصه است و دیگر یافتن شباهت ساختار قصه‌های پریان با سایر قصه‌های عامیانه است.

۵. ریخت‌شناسی قصه در مثنوی معنوی، مهدی‌زاده فرد، بهروز (۱۳۸۸)، مقطع دکترای تخصصی، استاد راهنما: امامی، نصراله، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

در این پژوهش به بررسی روایت، شخصیت و توصیف که از جنبه‌های قابل اتکا در ریخت‌شناسی است و همچنین به عنصر واقعیت داستانی در متن قصه‌های مثنوی پرداخته شده است.

۶. ریخت‌شناسی قصه‌های عامیانه بخش اوز، وطن‌پور، آزاده (۱۳۸۸)، مقطع کارشناسی‌ارشد، استاد راهنما: نیرانیان، کتایون، دانشگاه شیراز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

این پژوهش به دلیل مکتوب نبودن قصه‌های بخش اوز به گردآوری تعدادی از آن‌ها پرداخته و دارای پنج فصل است.

روش ریخت‌شناسی قصه‌های این تحقیق بر اساس خویشکاری‌های پیشنهادی کتاب افسانه‌های جادویی پگاه خدیش می‌باشد.

در کتاب افسانه‌های جادویی، بر اساس شیوه ولادیمیرپراپ، ساختار افسانه‌های جادویی ایرانی استخراج شده و با در نظر داشتن روش ریخت‌شناسانه پراپ، شمار کارکردها (اجزای سازنده قصه) از ۳۱ کارکرد به شش جفت کاهش یافته است.

#### ۱-۶- روش تحقیق

روش انجام این پژوهش توصیفی تحلیلی است، به این صورت که قصه‌ها پس از گردآوری، بر اساس الگوی ریخت‌شناسی پراپ که خود برگرفته از نظریات مکاتب فرمالیسم، ساختگرایی و زبان‌شناسی فردینان سوسور است مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و الگوهای آن‌ها استخراج گردیده است.

روش گردآوری اطلاعات در بخش کلیات و در بخش‌هایی از تجزیه و تحلیل کتابخانه‌ای است. در قسمت گردآوری قصه‌ها، کار بیشتر میدانی است؛ البته برخی از قصه‌های مکتوب نیز مورد بررسی قرار گرفته است. از آن‌جا که در این قصه‌ها واژه یا اصطلاح خاصی که ویژه‌ی زبان ترکی باشد و نیاز به آوانگاری داشته باشد نیست، قصه‌ها فقط از ترکی به فارسی برگردانده شده‌اند. قصه‌های شفاهی عیناً و بدون هیچ دخل و تصرفی ذکر گردیده؛ در قصه‌های مکتوب، سه قصه (کوراغلو، صیدی‌خان و پریزاد، غریب و صنم) که همراه با شعر بود، برای خلاصه‌تر کردن متن، ابیات آن‌ها حذف گردیده. این ابیات بیشتر همان مطالب متن است که با زبان شعر تکرار گردیده و حذف آن‌ها آسیبی به بافت اصلی قصه وارد نکرده و رعایت امانتداری شده است. تعداد اصلی قصه‌های جمع‌آوری شده بیشتر از آنچه که مورد بررسی قرار گرفته است بود اما از آن‌جا که بسیاری از آن‌ها شامل قصه‌های ملانصرالدین و بهلول بود و همچنین تعدادی قصه از زبان حیوانات که بسیار طولانی بودند در این بررسی از آوردن آن‌ها صرف نظر شد و در پایان ۳۳ قصه انتخاب گردید. از این ۳۳ قصه، ۱۰ قصه از کتاب قصه‌ها و افسانه‌های منوچهرکیانی است؛ یک قصه از کتاب داستان‌های مستند از ایل قشقایی از منوچهر کیانی و ۲۲ قصه به صورت میدانی گردآوری شده است.

## فصل دوم:

قشقای، ادبیات عامیانه، قصه



## ۲-۱- عشایر

در ایران همواره گروه زیادی به صورت سیار و کوچ‌نشین زندگی می‌کرده و اکنون نیز عده‌ی زیادی هنوز به همین روش زندگی می‌کنند. «این جماعت که با نام عشایر شناخته می‌شوند برخلاف آنچه که شاید تصور شود مردمانی حاشیه‌ای و بی‌ریشه نیستند. شیوه زندگی و پیشینه دامداری آنان با نخستین و باستانی‌ترین جماعت‌های قوم ایرانی مشاهده می‌شود؛ از آن پس نیز در سراسر تاریخ ایران حضور داشته‌اند و در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی بازیگرانی فعال و نقش‌آفرین بوده‌اند. عشایر در صحنه‌ی تاریخ ایران، گاه به صورت مدافع و گاه به صورت مهاجم ظاهر می‌گردند و بر زندگی و رفتار فرهنگی مردمان این دیار تأثیر می‌گذارند. در طول صد سال گذشته جامعه عشایری ایران چنان متحول شده که امروز تنها شبی از آن به جا مانده است. اما این گروه هرچند از متن به حاشیه رانده شده؛ هنوز در گستره‌ی جغرافیایی وسیعی حضور دارد و میراث فرهنگی عظیمی را با خود حمل می‌کند» (ر.ک.کیانوند، ۱۳۸۰: ۱۵).

جامعه عشایری ایران سه چهره‌ی متمایز دارد:

الف) عشایر کوچنده: این گروه طبیعی‌ترین و سنتی‌ترین چهره‌ی عشایری ایران را به نمایش می‌گذارند. پایه‌ی معیشت این مردم رمه‌داری است. رمه‌داری آن‌ها تا حد زیادی به چراگاه‌های طبیعی وابسته است. کوچندگان صاحب دو سرزمین هستند که یکی دارای اقلیم گرم و دیگری دارای اقلیم سرد است. اولی را قشلاق یا گرمسیر و دومی را ییلاق یا سردسیر (گاهی سرحد) می‌نامند. آنان ماه‌های سرد سال را در گرمسیر و ماه‌های گرم را در سردسیر به سر می‌برند و در زمان‌های معینی که بر پایه‌ی تجربه‌ی اعصار و قرون تعیین شده است، از گرمسیر به سردسیر و از سردسیر به گرمسیر کوچ می‌کنند. آنان در بقا و ادامه‌ی حیات خویش تا حد زیادی به طبیعت وابسته‌اند. میزان بارش سالیانه و توزیع زمانی آن، چه در سردسیر و چه در گرمسیر بر افزایش و کاهش دارایی این مردم تأثیر فوری و مستقیم می‌گذارد.

ب) عشایر اسکان یافته: اینان ساکنان روستاها و دهواره‌های عشایری هستند که بخش بزرگی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. آبادی‌های عشایر اسکان یافته در سراسر ایران دیده می‌شود.

ج) عشایر نیمه اسکان یافته: این گروه، عشایری هستند که ماه‌هایی از سال را که غالباً با پاییز و زمستان مقارن است در روستاها و دهواره‌ها به سر می‌برند و ماه‌های دیگر که معمولاً مقارن با بهار و تابستان است در حال کوچ و چادرنشینی به سر می‌برند و در مواردی عکس این حالت هم مشاهده می‌شود (ر.ک. همان: ۱۸).

عوامل مؤثر در تحول زندگی عشایر از کوچ‌نشینی به اسکان:

در دهه‌های اخیر عوامل مختلفی بر زندگی عشایر تأثیر گذاشته و باعث گردیده که اکثریت جامعه‌ی عشایری ایران به شهرها و روستاها روی آورد و اسکان را بر کوچ ترجیح دهد. از جمله‌ی این عوامل عبارتند از:

الف) تغییر مدار گردش پول و ثروت و فعالیت‌های اقتصادی: تا پیش از جنگ جهانی دوم و قبل از افزایش درآمد ارزی کشور از طریق فروش نفت خام، بیشتر درآمد ارزی کشور از طریق کالاهای صادراتی نظیر پشم و فرش تأمین می‌شد و عشایر یکی از مهمترین قطب‌های تأمین این اقلام محسوب می‌شد. با این تغییر جهت، نقش عشایر کوچنده کم‌رنگ شد و جامعه‌ی عشایری و اقتصاد آن خارج از این مدار قرار گرفت و از گردونه تجارت خارج شد.

ب) کاهش نیاز شهرها به تولیدات عشایری: با وارد کردن گوشت از سایر کشورها نیاز شهرها به گوشت دام عشایری کاهش یافت.

ج) انقلاب آموزشی: هر چند که نظام مدرسه‌ای و آموزشی جدید خیلی دیر به درون جماعت‌های عشایری راه یافت اما تغییر و تحول عمیقی در این جماعت‌ها به وجود آورد. مثلاً «در ایل قشقایی تا قبل از سال ۱۳۳۰ سواد حکم کیمیا داشته و در میان این جامعه‌ی چند صد هزار نفری، فقط تعدادی انگشت شمار از خوانین و طبقات بالای اجتماع و چند نفری هم به نام میرزا یا ملا که مختصر سواد داشتند دیده می‌شدند. رخنه‌ی دانش و دانش‌آموزی در ایل قشقایی بر اساس تفکر و آینده‌نگری یکی از فرزندان ایل قشقایی به نام محمد بهمن‌بیگی بود که توانست در گیرودار جنگ جهانی دوم خود را به تهران رساند و تحصیلات عالی را طی کند و در همان سال‌ها با انتشار کتاب "عرف و عادت در عشایر فارس" نوعی دگرگونی در افکار مردم ایل به وجود آورد. وی در این کتاب صراحتاً پیشرفت و دگرگونی در جامعه‌ی عشایری بخصوص قشقایی‌ها را تنها با سواد نمودن آن‌ها اعلام کرد. او توانست اولین مدرسه را در بین قشقایی‌ها با کمک مردم و نظارت شخصی خود و با وجود کارشکنی‌های مقامات دولتی وقت بر پا کند» (ر.ک کیانی، ۱۳۸۸: ۴۲۴).

د) تحول در روستاها: مکانیزه شدن کشاورزی سبب پیشرفت تدریجی اما مداوم روستاییان در چراگاه‌ها و فضای زندگی سنتی عشایر کوچنده شد و به این ترتیب مساحت‌های وسیعی از مرغوب‌ترین مراتع عشایر به تملک جماعت‌های روستایی درآمد.

ه) نابودی گیاهان و حیات وحش: از آن‌جا که زندگی جماعت‌های عشایری بیش از همه به طبیعت وابسته است، طبیعت بی‌جان دیگر محیط مناسبی برای زندگی آن‌ها نیست (ر.ک کیانوند، ۱۳۸۰: ۱۶۹).

## ۲-۲- ایل قشقایی

یکی از ایلات بزرگ عشایری ایران، ایل قشقایی است که محل سکونت اصلی آن‌ها سرزمین فارس است. در رابطه با مکان اولیه قشقایی‌ها و تاریخچه‌ی آن‌ها نظرات گوناگونی وجود دارد که در این جا به ذکر برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود: منوچهر کیانی در کتاب سیاه‌چادرها می‌نویسد: ایل قشقایی

گروه‌هایی از جوامع مختلف عشایر و مرزن‌نشینان کشورند که در گذشته‌ی تقریباً دور به علت عوامل گوناگون از گوشه و کنار ایران نظیر آذربایجان، خرم‌آباد، لرستان، کردستان و... به منطقه‌ی فارس کوچ کرده‌اند و جامعه‌ی واحدی را تشکیل داده‌اند و به دلیل موقعیت خاص، زندگی کوچ‌نشینانی دائم (اوایل ورود به فارس) برگزیده و سال‌ها مطابق یک سری قوانین و آداب و رسوم سنتی به زندگی شبانی خویش ادامه داده‌اند (ر.ک کیانی، ۱۳۸۸: ۲۲). آنچه مسلم است ایل قشقایی با همین تعداد و طوایف یکباره به خطه‌ی فارس وارد نشدند، بلکه در زمان‌های مختلف به صورت دستجاتی بزرگ و کوچک، آرام‌آرام به سمت فارس کوچ کرده یا کوچانده شده‌اند و پس از سال‌ها اسکان در نواحی مختلف فارس، بنا بر خواست حکومت مرکزی زیر سلطه‌ی یک خان یا رئیس ایل درآمد و برای اخذ مالیات و نیروی نظامی جبهه‌ی واحدی را تشکیل داده‌اند و با گذشت زمان از لحاظ قدرت نظامی به قدری رشد نمودند که موجب رعب و وحشت حکومت مرکزی شده و مجدداً طی سال‌های طولانی به طرق سیاسی یا نظامی آن قدر از قدرت آن‌ها کاسته‌اند که به مرور زمان تحلیل رفته و ضعیف شده‌اند؛ تا جایی که امروز از ایل بزرگ قشقایی که روزی مردانش مانند جنگجویان زابلستان در عرصه‌ی تاریخ و میادین نبرد می‌درخشیدند جز تعدادی سپاه‌چادرهای پراکنده چیزی دیده نمی‌شود (ر.ک همان: ۲۴۱).

پیرابریلینگ در کتاب کوچ‌نشینان قشقایی می‌نویسد: در اوایل قرن یازدهم میلادی و به دنبال تهاجم غزنویان و سلجوقیان، تعداد انبوهی از ایلات ترک غز از سرزمین‌های نیاکان خود در آسیای مرکزی به خاورمیانه کوچ کردند. ایلات فاتح در مناطقی که سرزمین نسبتاً حاصلخیز و جمعیتی پراکنده داشت - چون اغلب آسیای صغیر - در دشت‌ها و دره‌ها ساکن شدند و به کشاورزی پرداختند اما در مناطقی چون ایران که چندان حاصلخیز نبود و دشت‌ها و دره‌های حاصلخیز معدود آن هم پیشاپیش جمعیت انبوهی داشت، همان زندگی ایلی خود را ادامه دادند و منشأ بخش اعظم سلسله‌های حاکم بر ایران در اعصار جدید (از جمله غزنویان، سلجوقیان، اتابکان، خوارزمشاهیان، جلایریان، ایلکانیان، تیموریان، قره قویونلوها، آق قویونلوها، صفویان، افشاریان و قاجاریان) و همچنین بخش عمده‌ی نیروهای مسلح آن‌ها همین ایلات بودند (ر.ک ابرلینگ، ۱۳۸۳: ۱).

میخائیل سرگی یویچ ایوانف در کتاب عشایر جنوب می‌نویسد: در خصوص مسئله‌ی اصل و نسبت، نام و زمان ظهور عشایر قشقایی در ایران چندین روایت وجود دارد. بنا بر یکی از این روایات، قشقایی‌ها و یا لاقل قدیمی‌ترین بخش آنان از اخلاف خلج‌ها هستند. خلج‌ها یکی از اقوام ترک اغوزها هستند که در قرن یازدهم از آسیای مرکزی به ایران هجوم آوردند (ر.ک یویچ ایوانف، ۱۳۸۵: ۵۴).

ولادیمیر مینورسکی مردم‌شناس روس در رابطه با ارتباط قشقایی‌ها با خلج‌ها می‌نویسد: ایل خلج از بزرگترین ایلات خاورمیانه است که از ترکیه فعلی تا هندوستان و افغانستان پراکنده است. گروهی از خلج‌ها به آناتولی و گروهی به آذربایجان و ایران مرکزی و گروهی هم به جنوب ایران رفته‌اند، قشقایی‌ها جزء همان گروهی از خلج‌ها هستند که به مرکز ایران رفتند اما بعد از مدتی از آن‌ها جدا

شده و به فارس رفتند. علت این مهاجرت مشخص نیست اما به هر دلیل در قرن ۱۲ و ۱۱ میلادی (دوره‌ی سلجوقیان) صورت گرفته است (ر.ک کیانی، ۱۳۸۸: ۲۶۳).

گروهی از مورخین نیز سعی کرده‌اند قشقایی را از دیدگاه لغت‌شناسی مورد بررسی قرار دهند. به نظر این گروه واژه‌ی قشقه به معنی اسب یا گوسفند پیشانی سفید است که در بین این ترکان قشقه خوش یمن و نشانه‌ی برکت و ثروت است. عده‌ای هم از منظر جغرافیایی به این موضوع پرداخته‌اند. این گروه معتقدند واژه‌ی قشقایی از سرزمینی که در آن ساکن بوده‌اند گرفته شده است که بعدها به دلایل سیاسی- نظامی یا جستجوی مراتع مناسب این سرزمین را ترک گفته و به جنوب ایران کوچ کرده‌اند. مثلاً لرد کرزن می‌گوید: اولین سرزمین قشقایی‌ها شهر کاشکار یا قاشقار در شوروی جنوبی بوده است که هلاکوخان مغول آن‌ها را از این سرزمین کوچانده و به صورت قشون نظامی به فارس آورده که بعدها آن‌ها را ترکان کاشغری یا کاشکاری نامیده‌اند. همچنین در نزدیکی ازبکستان رودخانه‌ای وجود دارد به نام «قشقاچای» که می‌گویند نام قشقایی از آن گرفته شده است (ر.ک همان: ۲۶۴).

در کتاب "پیوستگی قومی و تاریخی اوغوز- ایل قشقایی ایران" نوشته‌ی حسین بایات آمده: واژه‌ی قشقایی متشکل از قش یا کش (Kash) + قایی بوده که قش به معنی قلعه و دژ برگرفته از نام شهر کش یا قش که نام کنونی آن شهر سبز (در ماورالنهر) است و همان زادگاه تیمورلنگ گورکانی است و قایی به معنی محکم و مستحکم برگرفته از نام نخستین طایفه از قبایل ۲۴ گانه‌ی اغوز است. بنابراین قشقایی به معنی دژ یا قلعه‌ی محکم و تسخیر ناپذیر است (ر.ک جدی‌بایات)، ۱۳۷۸: ۳۳).

در رابطه با قبایل اغوز باید گفت که اغوزان قومی بوده‌اند متشکل از ۲۴ عشیره‌ی بزرگ و کوچک که به صورت کوچ‌نشین زندگی می‌کرده‌اند. بیشتر تاریخ‌نگاران نیز به آن اشاره کرده‌اند. نام هر ۲۴ عشیره به روایت «جامع‌التواریخ» چنین است: قایی، بایات، آلقارائولی، قارائولی، یازر، دؤگر، دودورغا، یاپرلی، آفشار، قیزیق، بیگ‌دیلی، قارقین، بایندر، بچنه، چاولدور، چینی، سالور، ایتمور، آلابونتلی، بیکدیر، بوغدوز، ییوا، اوره‌گیر، قیتیق (ر.ک صدیق، ۱۳۵۷: ۴). محمودکاشغری هم در کتاب دیوان لغات‌الترک که در واقع اولین لغت‌نامه‌ی ترکی است که در سال ۴۵۱ هـ - ق نوشته است نام ۲۲ عشیره از ۲۴ عشیره را آورده که در بین آن‌ها این عشیره‌ها دیده می‌شود که هنوز هم در بین قشقایی‌ها وجود دارند: بیات (بایات)، قایی، ایگدیر، بیگدلی، افشار و ایمور (فارسیمدان) (مردانی، ۱۳۸۰: ۷۶).

کیانی قاطع‌ترین و دقیق‌ترین مدرک را در رابطه با مکان اولیه قشقایی‌ها استناد به کتاب «ایران ترک‌لرینین اسکی تاریخی: تاریخ باستانی ترکان ایران» نوشته‌ی پرفسور محمدتقی زهتابی می‌داند. زهتابی با استناد به سنگ‌نوشته‌های اورخون و آثاری که از ترکان ایران باقی مانده و نقش و نگاره‌هایی که بر ظروف سفالین است و با توجه به ریشه‌ی زبان قشقایی و آذربایجان و نیز نقش و نگاره‌هایی که در دستباف‌های ترک‌های ایران دیده می‌شود، می‌گوید قشقایی‌ها مانند سایر ترک‌ها با تاریخی بیش از ۵۰۰۰ سال باقی مانده‌ی سومریان هستند که پس از متلاشی شدن دولت آشور به نواحی شمال ایران